یادداشت

استراتژی توسعه
(بخش اول)

در جهان امروز، برنامه‌های توسعه به‌تدریج جای خود را به استراتژی‌های توسعه داده‌اند. دلیل این تغییر، تحولاتی است که در ساختار اقتصاد کشورها رخ داده است. در دهه‌های اخیر، بخش خصوصی در اقتصادها بسیار فعال‌تر از گذشته شده و تخصیص منابع صرفا در اختیار دولت نیست.

در چنین شرایطی، دولت‌ها به‌جای آنکه تمام منابع و فعالیت‌های اقتصادی را مستقیما مدیریت کنند، راهبردهای توسعه را تعیین می‌کنند و از طریق ضوابط تامین اعتبار و سایر امکاناتی که در اختیار دارند، سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی را هدایت می‌کنند. برای درک تفاوت الگوهای توسعه در جهان، می‌توان سه تجربه فرانسه، آلمان و چین را بررسی کرد؛ این سه کشور، هرکدام شیوه متفاوتی برای تعیین استراتژی توسعه و هدایت فعالیت‌های اقتصادی در پیش گرفته‌اند.

در آلمان، دولت راهبردهای توسعه را از طریق هماهنگی با مقامات محلی، سندیکاها، اتحادیه‌ها و بخش خصوصی دنبال می‌کند. در این الگو، استراتژی توسعه از بالا به پایین اعلام نمی‌شود، بلکه بخش خصوصی نیز در فرآیند تعیین و تدوین آن مشارکت دارد. حضور بخش خصوصی، اتحادیه‌ها، سندیکاها و دولت‌های محلی در این فرآیند موجب می‌شود اقتصادی صادرات‌محور مانند اقتصاد آلمان، با توجه به ظرفیت‌های بازار و تحولاتی که هر سال در آن رخ می‌دهد، برنامه و استراتژی توسعه متناسب با همان سال را تدوین کند. این الگو به آلمان امکان داده است از ظرفیت‌های اقتصادی خود به‌خوبی استفاده کند و میان برنامه‌های دولت و فعالیت‌های بخش خصوصی تضادی به‌وجود نیاید.

الگوی فرانسه با آلمان تفاوت دارد؛ در فرانسه، استراتژی‌های توسعه از سوی دولت اعلام می‌شوند و هماهنگی میان دولت، بخش خصوصی، اتحادیه‌ها و نهادهای محلی، به شکلی که در آلمان وجود دارد، دیده نمی‌شود. در این شیوه، مانند بسیاری از کشورها، از جمله ایران، دولت برنامه را تدوین و اعلام می‌کند و انتظار دارد بخش خصوصی نیز از آن پیروی کند. با این حال، واقعیت‌های بازار پیوسته در حال تغییر هستند و همین تغییرات شرایطی ایجاد می‌کنند که بسیاری از استراتژی‌های اعلام‌شده از سوی دولت فرانسه امکان اجرا پیدا نمی‌کنند. شاید یکی از دلایل حرکت بسیار کندتر اقتصاد فرانسه در مقایسه با اقتصاد آلمان نیز همین مساله باشد. در آلمان، هماهنگی میان دولت‌های محلی، دولت فدرال و بخش خصوصی شرایطی فراهم کرده است که سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی متناسب با تحولات بازار پیش بروند؛ اما در فرانسه چنین هماهنگی وجود ندارد.

در چین الگوی متفاوت وجود دارد؛ زیرا اقتصاد این کشور ترکیبی از بخش دولتی و خصوصی است و در این کشور بخش خصوصی بسیار فعال است. بخش عمده‌ای از صادرات چین بر عهده بخش خصوصی است، اما دولت و شرکت‌های دولتی نیز در اقتصاد این کشور حضور دارند و از اهمیت قابل توجهی برخوردارند. آمارها نشان می‌دهند که حدود ۴۰ درصد از سرمایه‌گذاری ثابت سالانه از طریق دولت و شرکت‌های دولتی انجام می‌شود.

این ساختار به دولت چین امکان می‌دهد تخصیص منابع را برنامه‌ریزی و از طریق سیاست‌های مختلف، از جمله سیاست‌های بانکی، فعالیت‌های بخش خصوصی را هدایت کند. در چین حدود پنج بانک دولتی بسیار قدرتمند وجود دارد. بانک‌های خصوصی و بانک مرکزی چین نیز از طریق سیاستگذاری، به‌ویژه سیاست‌های تسهیل اعتباری برای صنایعی که موردنظر دولت هستند، بر رشد صنایع اثر می‌گذارند. این هدایت هم از نظر نوع صنایع و هم از نظر موقعیت جغرافیایی فعالیت آنها صورت می‌گیرد. بانک مرکزی چین در این زمینه نقش بسیار مهمی دارد. البته در تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه باید به این مساله توجه کرد که بهتر است مدت اعتبار برنامه‌ها به دو تا سه سال محدود شود؛ چراکه شتاب تحولات به‌اندازه‌ای است که تدوین استراتژی و حتی برنامه‌ریزی برای دوره‌های بلندمدت را دشوار و گاه ناممکن می‌کند.

وضعیت ایران با این سه الگو تفاوت دارد؛ مساله اصلی اقتصاد ایران، نبود استراتژی متناسب با ظرفیت‌های کشور است. پیش از انقلاب، برنامه‌های توسعه ما عمدتا ماهیت عمرانی داشتند. دو یا سه برنامه نخست توسعه پیش از انقلاب کاملا برنامه‌های عمرانی بودند و اساسا به تخصیص منابع دولت اختصاص داشتند. در برنامه‌های سوم و چهارم پیش از انقلاب، وجوه اجتماعی و فرهنگی نیز به برنامه‌ها اضافه شد. به این ترتیب، برنامه‌ها به برنامه‌های جامع تبدیل شدند و مجموعه‌ای از سیاست‌ها نیز در آنها لحاظ شد. پس از انقلاب، ترکیبی از تخصیص منابع و سیاست‌ها در برنامه‌های توسعه ادامه پیدا کرد؛ اما مشکل عمده این برنامه‌ها آن است که با توجه به ظرفیت‌های کشور تدوین نشده‌اند. برنامه‌های ما بیشتر بر آرزوها استوار بوده‌اند؛ آرزوهایی که حتی آرزوهای واقعی هم نبوده‌اند. اگر این برنامه‌ها بر آرزوهای واقعی استوار بودند، می‌توانستند عملکرد بسیار بهتری داشته باشند.

در واقع، برنامه‌ها حاصل کنار هم قرار گرفتن آرزوهای پراکنده بخش‌های مختلف نظام بوده‌اند؛ بخش‌هایی که هرکدام دیدگاه و خواسته خود را در تدوین برنامه‌ها وارد کرده‌اند. سازمان برنامه بیش‌نویس برنامه را تهیه می‌کرد، اما این بیش‌نویس در مجلس دستخوش تغییرات گسترده می‌شد. در دولت نیز تغییرات دیگری در آن صورت می‌گرفت و سایر مراجع تصمیم‌گیری هم بارها دیگر تغییراتی اعمال می‌کردند. حاصل این فرآیند، مجموعه‌ای نامنسجم بود که نه امکان اجرای مناسبی داشت و نه می‌توانست مسیر حرکت اقتصاد را مشخص و فعالیت‌های اقتصادی را هدایت کند. اگر بخواهیم برای کشور برنامه یا استراتژی توسعه تدوین کنیم، باید این کار را بر اساس ظرفیت‌های واقعی کشور انجام دهیم. به این حال، ارزیابی این ظرفیت‌ها در شرایط جنگی امکان‌پذیر نیست. اکنون در وضعیت جنگی و محاصره اقتصادی قرار داریم و طبیعتا در چنین فضای فکری‌ای نمی‌توان برنامه‌ای برای توسعه تدوین کرد. ازاین‌رو، در شرایط فعلی باید هرگونه تهیه برنامه یا استراتژی توسعه را به‌کلی کنار بگذاریم.

دکتر محمدمهدی بهکیش
اقتصاددان
Alborz.payam@gmail.com

پیام آشنا محورهای چهارگانه سیاست اقتصادی جدید را بررسی کرد

مدیریت بحران ارز و چالش تولید؛ نقشه راه جدید اقتصاد



محبوبه بیدگی - داوودی، کارشناس اقتصادی با اشاره به چالش های ساختاری اقتصاد کشور، تاکید دارد که: کشور با چالش‌های ساختاری در حوزه ارز و تورم دست‌وپنجه نرم می‌کند اما پیام اخیر رهبر انقلاب، مسیر جدیدی را برای سیاست‌گذاری‌ها ترسیم کرده است؛ مسیری که در آن تولید، واردات هوشمندانه و انسجام اجتماعی سه رکن اصلی برای عبور از بحران‌های فعلی معرفی شده‌اند.

پیام اخیر رهبر انقلاب نقشه راه جدیدی را برای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی ایران ترسیم می‌کند که محورهای اصلی آن بر خودکفایی تولیدمحور و مدیریت هوشمندانه واردات استوار است و تحلیل‌های اقتصادی کارشناسان نشان می‌دهد که گذار از اقتصاد وابسته به درآمد ارزی به سمت اقتصاد تولیدمحور، مستلزم تغییر پارادایم در مدیریت منابع و سرمایه‌گذاری است. از نگاه دانیال داوودی کارشناس اقتصادی تأکید بر تقویت تولید، تنها راه خروج از چرخه تورمی و بی‌ثباتی ارزی است. به گفته وی؛ تقویت زنجیره تأمین داخلی و افزایش صادرات، نه تنها باعث ایجاد اشتغال می‌شود، بلکه با کاهش نیاز به ارز، فشار بر سیستم بانکی و نرخ ارز را به‌طور ساختاری کاهش می‌دهد و در این میان، نقش سرمایه‌گذاری‌های هدفمند در بخش‌های صنعتی، کلید اصلی این تحول خواهد بود.

این کارشناس اقتصادی تاکید می کند یکی از نقاط حساس در سیاست‌های اقتصادی آینده، مدیریت واردات است، برخلاف تصور عمومی، حمایت از تولید داخلی لزوما به‌معنای بستن درهای تجارت نیست، بلکه رویکرد نوین، واردات حکیمانه است؛ یعنی کالاهایی که تولید داخلی آن‌ها با مشکل مواجه است، به‌گونه‌ای که نه تنها نیاز مصرف‌کننده تأمین شود، بلکه از طریق ایجاد رقابت، تولیدکننده داخلی را به ارتقاء کیفیت و کاهش هزینه‌ها وادار کند. داوودی با بیان اینکه کاهش نقش دلار در اقتصاد ملی، یک ضرورت استراتژیک است اما مسیر آن باید با احتیاط طی شود، می گوید: تلاش برای حذف یک‌شبه دلار منجر به شوک‌های وارداتی و افزایش هزینه‌های تولید خواهد شد، لذا، استراتژی جایگزین، تمرکز بر افزایش تولید کالاهای واسطه‌ای و توسعه مبادلات با ارزهای ملی است تا وابستگی به دلار به شکلی تدریجی و بدون آسیب به بدنه اقتصاد، مدیریت شود. وی یادآور می‌شود: نکته حائز اهمیت در این سیاست‌گذاری‌ها، توجه به پیوند اقتصاد و جامعه است. هرگونه اصلاح ساختاری، به‌ویژه در حوزه‌های حساس مانند ارزی و یارانه‌ها، اگر بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های اجتماعی و عدالت توزیعی انجام شود، با مقاومت جامعه مواجه می گردد، از این رو، سیاست گذار باید فراتر از اعداد و ارقام، به اثرات روانی و معیشتی تصمیمات خود نیز توجه داشته باشد تا از بروز تنش‌های اجتماعی جلوگیری شود. داوودی با تأکید بر اینکه استراتژی جدید بر پایه سه اصل استوار است، خاطرنشان می کند: تولید به جای واردات، کاهش تدریجی وابستگی به دلار و اجرای اصلاحات اقتصادی با نگاه به عدالت اجتماعی سه مولفه اصلی است و هدف نهایی، ایجاد یک چرخه اقتصادی خودکفا است که در آن رشد تولید، همزمان منجر به ثبات ارزی و رفاه اجتماعی شود.

اما در نهایت ارزیابی کارشناسان اقتصادی حاکی از آن است که سیاست‌های اقتصادی آینده، بر لبه باریک توسعه تولید و حفظ ثبات اجتماعی حرکت خواهند کرد. گذار از اقتصاد وابسته به دلار به سمت اقتصاد تولیدمحور، مسیری پرچالش است که نیازمند مدیریت دقیق واردات و نگاهی واقع‌بینانه به زمان‌بندی اصلاحات است و کلید موفقیت در این مسیر، نه تنها در دقت محاسبات اقتصادی، بلکه در توانایی سیاست‌گذاران برای حفظ انسجام اجتماعی و پیوند میان تصمیمات اقتصادی با نیازهای معیشتی مردم نهفته است.

Mojgan.bidaki۸۸@gmail.com

مدیر گروه گیاه‌پزشکی دانشگاه تهران مطرح کرد

ابراز نگرانی از سموم باقی مانده در برخی قارچ‌های خوراکی

مدیر گروه گیاه‌پزشکی دانشگاه تهران با اشاره به موضوع کیفیت محصولات کشاورزی و ارتباط آن با سلامت مردم، گفت: در هر دوره پرورش قارچ به طور متوسط حدود ۱۰ سم از سموم مختلف استفاده می‌شود و باقی مانده سموم در این محصول موجب نگرانی است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، مسعود احمدزاده روز چهارشنبه ۲۰ آبان در میزگرد تخصصی «علم در خدمت غذا، سلامت و محیط زیست؛ رویکرد صلح و توسعه آینده» که به مناسبت روز جهانی علم در خدمت صلح و توسعه در دانشکدگان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران در کرج برگزار شد، افزود: در برخی آمارها مصرف سرانه نمک در ایران سه برابر استاندارد جهانی و در برخی منابع حتی تا ۹ برابر اعلام شده است.

احمدزاده با اشاره به برخی اقدامات پژوهشی انجام شده در حوزه کشاورزی عنوان کرد: در همکاری‌هایی که با وزارت جهاد کشاورزی انجام دادیم، در مزارع دیم کشور توانستیم بدون مصرف سم و کود، افزایش عملکرد و بهبود میزان پروتئین، گلوتن و برخی ویژگی‌های دیگر محصول را محقق کنیم.

وی درباره وضعیت تولید قارچ خوراکی و استفاده از سموم در این بخش، اظهار کرد: استان‌های البرز و تهران از مناطق مهم تولید قارچ خوراکی هستند. دوره پرورش قارچ حدود ۴۰ روز است و برخلاف برخی محصولات کشاورزی، در این محصول عملا فرصتی برای نگهداری در انبار و تجزیه باقی مانده سموم وجود ندارد، زیرا قارچ از مرحله تولید تا مصرف با فاصله زمانی کوتاهی به بازار عرضه می‌شود.

مدیر گروه گیاه‌پزشکی دانشگاه تهران با بیان اینکه در هر دوره پرورش قارچ به طور متوسط حدود ۱۰ سم از سموم مختلف استفاده می‌شود، نسبت به باقی مانده سموم در این محصول ابراز نگرانی کرد و افزود: این موضوع می‌تواند سلامت مصرف کنندگان را تحت تأثیر قرار دهد و ضرورت بازنگری در شیوه‌های کنترل آفات و بیماری‌های قارچ خوراکی را نشان می‌دهد.

وی ادامه داد: ما معتقدیم کشاورزی زیستی مبتنی بر پرویوتیک‌های گیاهی و عوامل کنترل بیولوژیک که در حوزه جشم‌شناسی نیز مورد توجه قرار دارند، می‌تواند راه نجات کشاورزی و کمک به ارتقای سلامت جامعه باشد. در این رویکرد دیابد به جای اتکای گسترده به سموم شیمیایی، از ظرفیت عوامل زیستی برای کنترل آفات و بیماری‌ها استفاده کرد.

احمدزاده به عملکرد تولید گندم اشاره کرد و گفت: متوسط عملکرد گندم آبی در کشور حدود سه تن در هکتار است، در حالی که در کشوری مانند کرواسی که از نظر برخی شرایط به استان همدان شباهت دارد، عملکرد گندم دیم به حدود پنج تن در هکتار می‌رسد.

وی افزود: در برخی مناطق کشور حتی عملکرد گندم دیم به ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلوگرم در هکتار رسیده است. در حالی که با استفاده از الگوهای مناسب تولید، امکان افزایش عملکرد وجود دارد.

وی با اشاره به نقش دانشگاه‌ها در حل مسائل کشور افزود: امروز بیش از هر زمان دیگری به استفاده از ظرفیت مراکز علمی برای مقابله با تهدیدهای مختلف، از جمله تغییرات اقلیمی که کشاورزی را تهدید می‌کند، نیاز داریم.

وی تأکید کرد: نمی‌توان به کشاورز گفت به هر قیمتی محصول سالم تولید کند؛ کشاورزان نیز باید از شرایط ممتاز اجتماعی و اقتصادی برخوردار باشند.

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با تأکید بر ضرورت بازتعریف مفهوم امنیت غذایی گفت: باید در تعریف امنیت غذایی بازنگری کنیم. تأمین غذا به هر قیمتی، خود می‌تواند به یک تهدید تبدیل شود.

وی تغییرات اقلیمی را یکی از مهم‌ترین تهدیدهای پیش روی کشاورزی دانست و اظهار کرد: امروز در میانه تهدیدهای ناشی از تغییرات اقلیمی قرار داریم و حتی افزایش حدود یک درجه‌ای دمای جهانی نیز پیامدهای گسترده‌ای داشته است.

وی ادامه داد: پیش‌بینی افزایش بیشتر دما تا سه درجه، نشان می‌دهد در صورت بی‌توجهی به این مسئله ممکن است با شرایط بسیار دشوارتری روبه‌رو شویم.

احمدزاده تأکید کرد: بنابراین باید با تغییر رویکرد در کشاورزی، توجه به کیفیت محصولات، توسعه کشاورزی زیستی و استفاده از روش‌های کنترل بیولوژیک، همزمان امنیت غذایی و سلامت جامعه را مورد توجه قرار دهیم.

وی در پایان مصرف بالای نمک در کشور را یکی از نمونه‌های قابل توجه دانست و گفت: یکی از مسائل تهدید کننده سلامت جامعه، مصرف بالای نمک است که بخشی از آن به کیفیت پایین آرد و نان و مشکلات موجود در زنجیره تولید بازمی‌گردد.

توسعه فناوری در کشاورزی بدون مشارکت جوامع محلی ممکن نیست

همچنین امیر علم‌بیگی، رئیس دفتر آموزش آزاد و حرفه‌ای دانشکدگان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران با اشاره به نقش رشته ترویج کشاورزی در فرهنگ‌سازی، الگوسازی، اجتماع‌سازی و جلب مشارکت مردم افزود: مداخلات ترویجی می‌توانند زمینه پذیرش فناوری را در جوامع محلی فراهم کنند، اما یکی از چالش‌های جدی بخش کشاورزی، کاهش تمایل جوانان روستایی به ماندن در عرصه تولید است.

علم‌بیگی با بیان اینکه بر اساس بررسی‌های انجام شده از سال ۱۳۹۵، ترکیب جمعیتی بسیاری از جوامع روستایی به سمت میانسالی و سالمندی حرکت کرده است، گفت: یکی از دلایل این وضعیت، کم‌توجهی به توسعه فناوری و توسعه انسانی در این بخش است. به طوری که در بسیاری از موارد به جای توسعه و بومی‌سازی فناوری، به واردات آن متکی بوده‌ایم.

رئیس دفتر آموزش آزاد و حرفه‌ای دانشکدگان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران ادامه داد: دانشگاه‌ها باید علاوه بر تولید دانش، آثار اجتماعی پژوهش‌های خود را نیز ارزیابی کنند و مشخص شود دستاوردهای علمی آنها تا چه اندازه می‌تواند تغییرات جامعه را هدایت کند، به انتقال فناوری کمک کند.

وی تأکید کرد: جوامع محلی ظرفیت‌های ارزشمندی در زمینه دانش بومی دارند که می‌توان از آنها در مسیر توسعه پایدار بهره گرفت. برای نمونه، تجربه مدیریت منابع آب در سازه‌هایی مانند قنات‌های گنابادا می‌تواند از منظر دانش و مدیریت بومی مورد توجه قرار گیرد.

علم بیگی افزود: دانشگاه باید به عنوان یک نهاد بی‌طرف و ارزیاب عمل کند و بتواند تشخیص دهد جامعه به چه نوع دانشی نیاز دارد و کدام دانش باید در اولویت قرار گیرد. چراکه حفظ سنت‌های علمی به تنهایی نمی‌تواند معیار مثبتی برای عملکرد دانشگاه در شرایط امروز باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۱۰۵۷۰۰۳۰۸۳ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج -ناحیه دو تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای/ خانم عباس عباسی فرزند قربانعلی بشماره شناسنامه ۳۵۴۸ صادره از تهران در یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۴۹۷.۲۰ متر مربع از پلاک ۱۹۷۰ فرعی از ۹ اصلی واقع در ماهدشت خیابان سرداران خیابان سوم شمالی پلاک ۳۸ خریداری از مالک رسمی آقای/ خانم جواد سیف دار محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۳۱۱۸۳۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۲۳

عباس صبوری
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی انتشار اخطار افراز
اخطار افراز

خواهان: خانم ملوس موقوفه ثی.
آدرس خواهان: کرج - خرمدشت - میثم ۳ - بهمن ۱/۳ - ساختمان ستایش - واحد۸.
خوانده: آقای مراد چراغی.
آدرس: کرج - خرمدشت - میثم ۵ - ۱۶ متری سعدی - گلستان ۷ - نبش فرعی دوم سمت راست.
نظر به اینکه آقای پرویز سنگ سفیدی به عنوان وکیل خواهان برابر وکالت نامه شماره ۳۵۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ برابر درخواست شماره ۱۴۰۵۲۱۷۳۱۰۱۱۰۳۴۱۰۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ تقاضای افراز سهم خود از پلاک ۳۷۴۱ فرعی از ۱۴۴ اصلی را نموده اند و جهت بازدید از محل روز سه شنبه ۱۴۰۵/۰۹/۱۰ ساعت ۱۲ ظهر تعیین وقت گردیده است لذا مراتب بدینوسیله به شما ابلاغ و اعلام داده میشود تا برای بازدید از محل در روز و ساعت تعیین شده دراین اداره یا درمحل وقوع ملک حضور بهم رسانید.
بدیهی است عدم حضور شما مانع انجام کار نخواهد شد. ۲۳۲۴۱۱۵

ایرج نیک بین
سرپرست اداره ثبت اسناد واملاک ناحیه سه کرج

ایران خشک شد. از بس که آب ندارد.